



فرود آنتونف در واشنگتن

صفحه ۱۵

سالروز بیوند آسمانی حضرت امیرالمؤمنین و بانوی دو عالم حضرت فاطمه علیهما السلام را تبریک می‌گوییم

یادداشت امروز

آسیب‌های ۴ سالگی

مهدی محمدی



دولت آقای روحانی اکنون از سد رای اعتماد مجلس عبور کرده است. پیش‌تر هم پیش‌بینی می‌شد که به دلیل مناسبات خاص حاکم بر روابط مدیریت دولت و مجلس، این عبور دشوار نخواهد بود. گفت‌وگوهای رای اعتماد چندان جدی نبود، فضایی هم نبود که بخواهد مسأله‌های جدی مطرح شده و بحثی جدی درگیرد. از حیث سیاسی نیز نه دولت و نه مجلس، فعلا تصمیمی برای رویارویی با یکدیگر ندارند و ظاهر قضا، لاف‌لا تا آینده قابل پیش‌بینی این است که یکدیگر را امرات خواهند کرد. نوع رویکرد به ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است که می‌تواند این مناسبات را نوارایی کند و طرفین تصور می‌کنند هنوز برای رسیدن به این مسأله وقت هست. احتمالا رگه‌هایی از «تغییر آرایش» را تنها وقتی خواهیم دید که نغمه‌های انتخابات مجلس ساز شده باشد. بازیگران مختلف منتظرند نحوه دورخیز دیگران به سمت ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ را از نوع آرایشی که برای انتخابات مجلس خواهند گرفت، استنباط کنند. این چیزی است که برای آن به اندازه کافی وقت هست.

اکنون یکی از رایج‌ترین اشتباه‌ها درباره دولت دوم آقای روحانی می‌تواند این باشد که کسانی بخواهند از روی تمرکز بر ترکیب کابینه، درباره خط‌مشی اصلی دولت در ۴ سال آینده قضاوت کنند. ترکیب کابینه بر اساس ملاحظاتی و به علی‌قیده شده که به هیچ‌وجه نمی‌توان با تکیه به آن چنین قضاوتی کرد. در واقع این ترکیب، هیچ پیام خاصی را نه درباره اولویت‌ها و نه رویکرد کلی دولت بیان نمی‌کند و در بادی امر، ناظران مختلف با رویکردهای مختلف می‌توانند تفسیرهای کاملا مختلف- و گاه حتی متضاد- از آن داشته باشند. آقای روحانی دست خود را در کابینه رونکرده است. حداکثر چیزی که می‌توان گفت این است که این کابینه جایزهای است به کسانی که در انتخابات کنار آقای روحانی ایستادند و ضمنا، سابقه کاری آنها نشان می‌دهد بیش از آنکه به هر گروه یا نهاد دیگری متعهد باشند، به شخص روحانی وفادارند اما اینکه کسی تلاش کند از طریق تفسیر ترکیب کابینه فعلی، اولویت‌ها، رویکردهای دولت دوم او اشغال است اما راهبردی دولت روحانی در ۴ سال آینده را دریابد، در واقع طلب روزی نهاده کردن است. آقای روحانی البته حرف‌هایی گاه عجیب درباره آنچه می‌خواهد در این ۴ سال بکند، زده ولی هنوز روشن نیست دقیقا به کدام سو خواهد رفت و پروژه‌های محوری‌اش چیست. روحانی یک جا گفته اولویت دولت دوم او اشغال است اما همزمان- و در موضعی عجیب- مثلا در مجلس تاکید کرده است وزارت اقتصاد او باید موضوع پولشویی را در اولویت خود قرار بدهد؛ سخنی که بسیاری از ناظران آن را در واقع یک آدرس به بیرون تلقی کردند. در هر حال، یکی از مهم‌ترین سوال‌هایی که آقای رئیس‌جمهور اکنون باید به آن پاسخ بدهد این است که مهم‌ترین پروژه‌های او در ۴ سال آینده چیست و چطور می‌خواهد آن را محقق کند. ترکیب کابینه روحانی حاوی هیچ پیام واضحی درباره رویکردهای آینده او نیست؛ بلکه بسیار مهم‌تر از این است که این کار را با چه کسانی می‌خواهد انجام بدهد.

درباره رویکردهای ۴ سال آینده دولت ۳دسته‌نگرانی جدی وجود دارد.

۱- نخستین - و به عقیده من مهم‌ترین - نگرانی این است که قطار دولت روی ریلی قرار داشته باشد که از بیرون کشور گذاشته شده است. اگر بخواهیم همه تقد‌ها به رویکرد آقای روحانی در دولت اول را در یک جمله خلاصه کنیم اینطور می‌شود گفت که دولت اجازه داد- دانسته یا ندانسته- از بیرون برای آن ریل‌گذاری و رفتارش چارچوب‌بندی شود. تاریخ سیاست‌گذاری امنیت ملی آقای روحانی به یک معنا تاریخ استانداردها و استانداردهای رفتار ایران بر اساس قواعدی است که «هنجارهای بین‌المللی» خوانده می‌شود اما در واقع چیزی بیش از اراده یکی - دو قدرت ظاهرا بزرگ نیست. برجام، نقطه شروع این پروژه استانداردها بود و اکنون برای همه روشن شده این بازی ادامه دارد. مهم‌ترین نگرانی درباره ۴ سال آینده این است که آقای روحانی بخواهد همان مسیری را- با همان قرائتی- طی کند که با برجام آغاز شد.

ادامه در صفحه ۵



عکس: فرادانشی/تسنیم

محمدباقر قالیباف با تقدیم سند تحول شهر تهران در آخرین جلسه شورای چهارم ۱۲ سال خدمت در شهرداری پایتخت را به پایان رساند

خدا حافظ شهردار جهادی

مورد تردید است، هیچگاه به آن فکر نکرد که با خالی شدن خیابان‌ها از جمعیت تظاهرات‌کننده و به کار گماشته شدن ارتش برای سرکوب تظاهرات‌کنندگان (به جای آماده‌باش برای مقابله با کودتا) اوضاع به چه سمت خواهد رفت. مصدق که حالا همه فکر و ذکرش حفظ قدرتش با تضمین آمریکا بود، حتی هشدارهای قریبالوقوع بودن کودتا که از مرحوم آیت‌الله کاشانی به عنوان جلودار نیروهای مذهبی تا کیانوری به عنوان دبیر کل حزب توده را ناشنیده گرفت تا آنچه را سعی در نشتیندن داشت ۲۴ ساعت بعد به چشم خود ببیند. غرض از توضیح اجمالی در باب اتفاقات پادشده صرفا رادعایی بود که مدعی برتری داشتن ماهیت ایرانی کودتا نسبت به ماهیت آمریکایی آن است و چنانکه دیدیم حتی فراهم شدن مقدمات داخلی کودتا نیز با برنامه‌ریزی آن توسط نیروهای خارجی میسر شد تا ماهیت و نقش آمریکا و بریتانیا در آن بیش از پیش پررنگ باشد. حال با این توضیحات آنچه محل پرسش قرار می‌گیرد هدف ناصوابی است که سعی در تغییر صورت مسأله برای تطهیر عوامل خارجی در این کودتا دارد، هدفی که با توجه به وجود اسناد متعدد و غیرقابل کتمان که غالب آنها حتی در این سال‌ها مورد تایید متهمان کودتا نیز واقع شده است، نمی‌تواند ناشی از کزفهمی یا مطالعه ناقص باشد. بی شک تشابه غیرقابل کتمان میان بازیگران معاصر دنیای سیاست و بازیگران تعیین‌کننده در جریان کودتا چنین ایجاب می‌کند تا جریانی خاص سعی در کم‌رنگ کردن نتایج ایستادن مصدق برابر ناصیح جریان دینی و اعتمادش به وعده‌هایی که طرف آمریکایی داده بود، داشته باشد. کتمان نقش بازیگر نقش اول باشد تحریفی در تاریخ معاصر کشور محسوب می‌شود که از نتایج آن آدرس غلط دادن به نسل‌هایی است که ممکن است با یک تشخیص نادرست همانند مصدق راه را برای سال‌ها ضرر و خسارت فراهم کنند و جالب است که حتی در جریان کودتای ۲۸ مرداد بخش قابل توجهی از نقشه‌ها با آدرس غلط دادن‌های مطبوعاتی می‌گذشت که فضا را در پازلی از پیش تعیین‌شده به سمت فراهم کردن کودتا می‌برد. امید آن است که این غلط‌های املایی در نگارش تاریخ معاصر غرض‌ورزی کمتری نسبت به سرنوشت‌شوم آن سال‌ها داشته باشد و شاهد آن نباشیم که چند سال دیگر جای جلا و شهید در بخش دیگری از تاریخ معاصر ایران جبه‌جا شده باشد.

کودتا در کودتا

صادق فرامرزی

صحیح در تایید این گزاره باشد). حال چه می‌شود که جریدهای در راستای تحریف رو به تحلیلی می‌آورد که نتیجه آن جعل واهی‌ها به نام «کودتای ایرانی»، است، خود از مهم‌ترین سوالات پیش روی ما خواهد بود. هر چند با نگاهی به معادلات و تقسیم‌بندی‌های فعلی سیاسی می‌توان بی‌به نیت چنین تحریف‌های روشنی برد اما در این نوشتار سعی ما بر آن است که بیش از افشای نیت نسبتا روشن و شفاف جریانی که تمایل ندارد به نقش آمریکا و اعتماد مصدق به آمریکا در شکل‌گیری کودتا پرداخته شود، خود سوز نقش آمریکا در شکل‌گیری این کودتا مورد بررسی واقع شود و با فرسار از تکرار نقش‌آفرینی‌های آشکار ایالات متحده و بریتانیا در این کودتا که بارها مورد اشاره واقع شده، به این مسأله بپردازیم که با قبول نقش عوامل داخلی در هموار کردن مسیر یک کودتای طراحی شده در خارج از کشور، آنچه ایمن عوامل داخلی را فراهم و مهیا کرد نیز برنامه‌ریزی‌های خارجی بوده است. آنچه ما را مجاب به این امر کرده، بندی از مطلب روزنامه شرق در اثبات ادعای «کودتای ایرانی» است که در آن با پیش کشیدن قیاس کودتای نافرجام ۲۵ مرداد و موفقیت کودتا در روز ۲۸ مرداد، نقش عوامل خارجی را تا حد قابل توجهی مورد انکار قرار داده و عامل اصلی کودتا را تا حد مناسبات جاری میان ارتش و دولت مصدق تقلیل داده و هرجا با گفته‌های از سوی عاملان خارجی کودتا مواجه شده که چنین برداشتی را نقض کرده‌اند، آن را منسوب به «خیال‌پردازی» و «خودبزرگ بینی» عوامل خارجی کرد.

اما راز اصلی شکست کودتا در روز ۲۵ مرداد (که منجر به فرار شاه از کشور شد) و پیروزی راحت آن در ۲۸ مرداد چیست؟ شاید جواب به این سوال به همان اندازه که سخت می‌نماید آسان نیز باشد! به شرط آنکه پیش از بررسی آن خود را متعهد به کتمان نقش عوامل خارجی در کودتا نکنیم. بر این اساس مهم‌ترین عواملی که کودتا را در ۲۵ مرداد با شکست مواجه کرد ۲ عنصر «وجود و انگیزه نیروهای جان برکف نهضت در سطح خیابان‌های شهر» و «اطلاع نخست‌وزیر (مصدق) از برنامه‌ریزی بخشی از ارتش برای کودتا علیه دولت او» بوده است. چنانکه مصدق با دلگرمی از وجود عنصر اول

بنا بر عرف مطبوعاتی کشور، مناسبت‌های تقویم سوزه نگارش مطالب نسبتا ثابتی را هر ساله فراهم می‌آورد که بسته به جایگاه‌شان از بزرگداشت یک شخصیت تا تحلیل یک واقعه می‌توان آنها را تقسیم‌بندی کرد. بر همین مبنا در روزهایی که گذشت و در شصت و چهارمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد نیز فضای مطبوعاتی کشور به تحلیل مجدد این واقعه پرداخت تا هر نویسنده‌ای بنا بر ظن خود عامل این رویداد تلخ را شناسایی و برای بازیگران آن درصدی از تقصیر را معین کند. بنا بر ماهیت ۲۸ مرداد که اساسا برون‌دادی از شکست خوردن یک ائتلاف ضداستعماری بود، تاریخ‌پژوهان و تحلیلگران سیاسی هر کدام شخصا یا اشخاصی را مقصر و قربانی تفسیر می‌کنند تا سرنجام به اصل واقعه برسند. دعوا بر سر اشخاص تاثیرگذار در این روز به اندازه تمام روزهای پس از کودتا قدمت داشته و دارد اما تقریبا می‌توان گفت همه مفسران بر سر هیچ چیز به اندازه نقش کلیدی و راهبردی ائتلاف آمریکا و انگلستان در شکل‌گیری این کودتای سیاه متفق‌القول نیستند. این ادعایی است که حتی متهمان آن نیز بارها در قالب نگارش خاطرات، اعترافات تاریخی و اسناد همان دولت‌ها در برهه‌های مختلف به آن اذعان کرده‌اند تا برای خوانندگان داخلی نیز هیچ فرضیه توهم‌توطئه‌ای در جلوساری این کشورها در تحمیل ۲۵ سال دیکتاتوری محمدرضاشاه پس از کودتای سال ۳۲ باقی نماند. اما آنچه در روزهای گذشته به طور عیان‌تر و در چندسال اخیر به شکلی ناملموس‌تر پیگیری و تکرار می‌شود، نوعی خواست و تفسیر از این کودتاست که در آن نقش عوامل و وقایع داخلی به شکلی بیش از حد فریبکارانه پررنگ و برجسته می‌شود تا در نهایت نقش آمریکا و انگلیس در وقوع چنین رویدادی کم‌رنگ شود. هر چند پیش از هر گونه واکنشی به این امر باید اشاره داشت که کتمان تاثیر مناسبات سیاسی داخلی کشور در روزهای منتهی به کودتا در شکل‌گیری این کودتا، پیش از هر چیز کتمان واقعیت است و هر قدر نیز نیروهای خارجی برای کودتا در یک کشور مقدمه‌چینی و برنامه‌ریزی کرده باشند، تا شرایط داخلی مهیای کودتا نباشد، همه برنامه‌ریزی در حد یک ظرفیت بالقوه که توانایی بالفعل شدن ندارد باقی می‌ماند اما این مسأله به تنهایی نمی‌تواند انکارکننده نقش عوامل خارجی در وقوع یک کودتا باشد (مسأله کودتای پینوشه با حمایت همه‌جانبه آمریکا علیه آئند در شبلی نیز می‌تواند قیاسی

تینتر امروز

ایران آینه عبرت کره شمالی؟!!

استدلال عجیب علی اکبر صالحی درباره امیدواری به بقای توافق هسته‌ای: اگر برجام را به هم بزنند کره شمالی به آمریکا می‌گوید شما اصلا به قول تان وفادار نیستید

لکده‌های بی‌فایده سلبریتی‌ها بر بیکره بی‌جان تئاتر چه کسی تئاتر را زنده می‌کند؟!!

محسن رضایی خبر داد تغییرات جدید در مجمع



گزارش عملکرد تلگرام وینز ۹۱۱ کابینه یازدهم! جهانگیری: به تمام وعده‌ها عمل کردیم! افشای چند پیامک سزی

یاد

به مناسبت روز پزشک سلام آقای دکتر

محمد مهدی نوری

آقای دکتر! حال تان خوب است؟ مدتی است قلبم بدجور درد می‌کند. نسفم راحت بالا و پایین نمی‌رود. انگار غم دنیا روی سینم است. دکتر جان! درد قفسه سینم برای چیست؟ چرا فقط لبخند می‌زند؟ درد بیمار برای تان معنایی ندارد؟ راستش دکتر حق هم داری بخندی، شما جای خوب خوب است، اصلا نمی‌دانی درد زندگی در سال ۱۳۹۶ یعنی چه؟! اگر می‌دانستید که لبخند نمی‌زدید! دکتر راستی می‌گویند شما رتبه یک تکنور تجربی بودید! کدام کتاب شما را زدید؟ یکی از فامیل‌های مان می‌گوید قبولی پزشکی خیلی سخت است، راستی! دکتر شما چندسال تان است؟ جوان مانده‌اید، به نظرم ۵۰ سال دارید. شما دکترهای قدیمی یک سر و گردن بالاتر هستید، بویژه اگر جنگ رفته باشید. آنجا حتما دیده‌اید «فرود یک خیمه‌راه قند نضر را می‌درد؟» اصلا دکتر انگار همان خیمه‌راه وسط قلب من منفرج شده است. راستی دکتر اسم شما چیست؟ ما به اسم دکتر احدی وقت وزیرت گرفته‌ایم. مادر تان خیلی خوشحال شد که شما روپوش پزشکی پوشیدید؟ روپوش سفید مثل لباس دامادی است. دور از جان. شما بعضی‌ها هم می‌گویند مثل کفن شدن. دکتر از اضطراب نیست این درد قفسه سینه؟ «کدام اضطراب جانت را می‌خورد؟ دیر رسیدن به اتوبوس، دیر رسیدن سر کلاس، نمره گرفتن؟ دلت را به چه چیز بسته‌ای؟ به مدرک، به ماشین، به قبول شدن در حوزه فوق دکتر؟» اینها هم هست دکتر. استرس هم دارم که تکند نتوانم مادر و پدرم را راضی کنم برای پذیرش در یک دانشگاه خارجی. راستی دکتر شما چرا جنگ رفتید؟ برای سهمیه‌اش؟ بعضی‌ها رفتند جبهه آن روزهایی که شما رفتید. آقای دکتر اصلا برای‌شان مهم نبود خانواده‌ای در همسایگی‌شان داغدار شده است؟ جوانی به خاک افتاده است؟ دکتر الان حتما باید متخصص و فوق تخصص داشته باشید. آدرس مطلب‌تان کجاست؟ دکتر شما هم از آن دسته پزشکانی بودید که دوران دانشجویی ذوق می‌کردند بهشان بگویند دکتر؟ کیف و کلاسور تان را از چه پر می‌کردید؟ «از خیال از کتاب، از لقب شاخ دکتر یا از آدامسی که هر روز مادرت در کیف می‌گذاشت؟» راستی دکتر می‌گن شما ۲۰ سالگی وصیتنامه نوشتید. ادامه در صفحه ۵